

از منظری دیگر

عبید اللہ (ساوجی)

www.ketab.ir

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر

: عابد، عباس، ۱۳۳۳

: از منظری دیگر/ عباس عابدساووجی؛ ویراستار فرشید امام زادگان.

: کرج: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان البرز، انتشارات حنطله، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری

: ۳۰۲ ص.

: ۱۲۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۱۷۴-۰-۱

شابک

وضعیت فهرست نویسی

: فیا

موضوع

: عابد، عباس، ۱۳۳۳ - - خاطرات

موضوع

: داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۳

موضوع

: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - - خاطرات

شناسه افزوده

: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان البرز، انتشارات حنطله

رده بندی کنگره

: ۸۱۴۴۸۱۲۹۴ ۴ الف ۱۷ الف /

رده بندی دیویی

: ۶۲/۳۵۸

شماره کتابشناسی ملی

: ۴۱۳۸۴۱۲



بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
استان البرز



از منظری دیگر

عباس عابدساووجی

مدیر هنری: حسین بابایی ■ صفحه آرا: آوا حکمت
مدیر اجرایی: فرشید امام زادگان ■ نوبت چاپ: اول
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ■ شابک: ۹۶۱۷۴-۰-۱-۹۶۱۷۴-۰-۱-۹۷۸-۶۰۰
قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

کرج ■ ۴۵ متری گلشهر ■ بلوار هوشیار
نیش خیابان شهید فرهاد جهانی
اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
استان البرز

معاونت هنری و ادبیات

تلفن: ۳۴۶۰۹۵۹۴ ■ ۳۴۶۱۲۰۷۰

hanzale91@yahoo.com

این اثر با مشارکت شهرداری کرج به چاپ رسیده است

۷	۱- مقدمه.....
۸	۲- طوفان وزیدن گرفت.....
۱۲	۳- تهران در خواب ناز.....
۱۹	۴- ما سه نفر بودیم.....
۲۷	۵- پادگان ابوذر.....
۳۴	۶- چراغ شمع شدا.....
۴۴	۷- شاه نظامی.....
۵۶	۸- از صحرای دلگیر.....
۶۴	۹- بخترهای خوشی ها.....
۷۱	۱۰- خنجرین.....
۸۳	۱۱- جراحی یک.....
۹۳	۱۲- به سبک جراحان.....
۹۹	۱۳- حکومت نظامی.....
۱۰۴	۱۴- تحویل سال نو.....
۱۱۴	۱۵- سیگار.....
۱۱۶	۱۶- صحنه سازی.....
۱۲۱	۱۷- مأموریت های پی در پی.....
۱۲۴	۱۸- لشکر ۷۷ خراسان.....
۱۲۴	۱۹- تلخ و شیرین ها.....
۱۲۸	۲۰- حسرت افتتاح درمانگاه.....
۱۵۳	۲۱- همسفر خورشید.....
۱۶۰	۲۲- مهمتسرا.....
۱۷۲	۲۳- اسباب کشی به لرومیه.....
۱۷۷	۲۴- گردان ۸۲۲ شهلت.....
۱۸۰	۲۵- پمپه.....
۱۸۸	۲۶- بیوران بالا.....
۲۰۴	۲۷- روی دیگر سکه.....

- ۲۸- می خواست بهداری را منظر کند..... ۲۸
- ۲۹- آواتان مرحله اول ۱۳۶۲..... ۲۹
- ۳۰- آی قلبم..... ۳۰
- ۳۱- شرتی..... ۳۱
- ۳۲- توالث خصوصی..... ۳۲
- ۳۳- پل فلزی..... ۳۳
- ۳۴- حوادث تازه..... ۳۴
- ۳۵- دوم آواتان..... ۳۵
- ۳۶- اقیانوس ایران..... ۳۶
- ۳۷- در مشن حاج عمران..... ۳۷
- ۳۸- سقوط حاج عمران..... ۳۸
- ۳۹- بیلاق اشنویه..... ۳۹
- ۴۰- غافلگیری در پیر..... ۴۰
- ۴۱- ارشدترین گروهیان یک چهار..... ۴۱
- ۴۲- آموزش جنگی در پسوه..... ۴۲
- ۴۳- میثم، سرباز کوچولو..... ۴۳
- ۴۴- عملیات در حاج عمران..... ۴۴
- ۴۵- حاضیه های عملیات حاج عمران..... ۴۵
- ۴۶- صونه، بغا..... ۴۶
- ۴۷- فدا کن..... ۴۷
- ۴۸- بهار و دل تنگی..... ۴۸
- ۴۹- جامعه در نبرد..... ۴۹
- ۵۰- فشار زندگی امقم را بریده بود..... ۴۹
- ۵۱- سرگرد فرماتده سخته کرد..... ۴۸۳
- ۵۲- سروان عراقی..... ۴۹۳
- ۵۳- پایان نبرد از منظری دیگر..... ۴۹۴
- ۵۴- روایت هینا از روی دفتر خاطرات..... ۴۹۸

مقدمه :

یادش بخیر ، مسجد محل بود و پایگاه های بسیج .

شناسنامه ها به عمل می شدند تا بزرگتر از سن خود نشان بدهند تا بتوانند جواز عروج بگیرند .

برای عروج گذرنامه نمی خواهد . کسی که جان می بخشد ، بر روی اعضای بدنش قیمت نمی گذارند .

گروه گروه پرواز می کردند ، دریغ از پارچه ای در این مرز و بوم معنی نمی دهد ، وقتی ، ((ثبت است بر جریده عالم درام))

سرم سنگین بود و دل بستگی هایم به دنیا ، نگذاشت برم . رفقا که سبکبال بودند رفتند ...